

آداب دانش‌اندوزی در سخنان امام رضا(ع)

مرتضی رحیمی^۱

چکیده

امام رضا(ع) امتیازهای زیادی برای علم برشمرده و طلب و دریافت معارف دینی را تنها از افرادی که واجد شرایط خاص هستند، مجاز دانسته‌اند، در عین حال اشاره نموده‌اند که طلب و دریافت دیگر علوم از هر کس که آن را دارا باشد مطلوب است. بررسی حاضر در پاسخ به پرسش «امام رضا(ع) چه آدابی را شرط تحقق امتیازهای علم دانسته‌اند؟» اشاره نموده که ایشان بر ضرورت انگیزه الهی در دانش‌اندوزی تأکید نموده و مواردی، مانند خشیت از خداوند، خدمت نمودن به مردم و انجام کارهای خوب را از نشانه‌های انگیزه الهی برشمرده‌اند، عمقی بودن تعلیم و تعلم و نیز پرسش برای طلب علم را مورد تأکید قرار داده و شرم جاهل از پرسش و شرم پاسخ‌دهنده از گفتن «نمی‌دانم» را در فرض عدم آگاهی وی نکوهش کرده‌اند. از دیدگاه آن حضرت، معلم باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد و متعلم نیز باید خویشتن خود را بشناسد. هدف از نوشتار حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده آن است که آداب دانش‌اندوزی و امتیازهای علم از منظر فرهنگ رضوی بیان و با رعایت آن آداب، به توسعه علم و دانش تشویق شود.

واژه‌های کلیدی

علم، آداب، پرسش، خودشناسی، نیت، تعلم (دانش‌آموزی)

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۱۱

mrahimi2@gmail.com

۱. استادیار گروه علوم قرآن و فقه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز

مقدمه

در متون اسلامی ضمن بیان اهمیت علم، آداب و ویژگی‌هایی نیز برای علم‌اندوزی بیان شده و رساله‌هایی مانند *آداب‌المتعلمین* خواجه نصیر نگاشته شده، اما تحقیق مستقلی پیرامون امتیازهای علم و آداب دانش‌اندوزی از دیدگاه امام رضا^(ع) وجود ندارد، لذا مقاله حاضر به این امر اختصاص یافته تا به پرسش‌هایی مانند «آیا امام رضا^(ع) ویژگی‌ها و امتیازهایی برای علم بیان نموده‌اند؟»، «آیا امام رضا^(ع) آدابی برای طلب علم بیان داشته‌اند؟»، «آیا علمی که امام رضا^(ع) از آن سخن گفته‌اند به معارف دینی محدود می‌شود؟»، «آیا گرفتن علوم مربوط به شریعت از غیرمسلمان مجاز است؟» و «آیا امام رضا^(ع) مفهوم نیت الهی در علم‌آموزی را بیان داشته و برای آن نشانه‌هایی بیان فرموده‌اند؟» پاسخ دهد.

نوآوری نوشتار حاضر از دو جهت است: ۱. تبیین و شرح امتیازهای علم در سخن امام رضا^(ع): حضرت تنها در یک حدیث به ۲۸ امتیاز علم اشاره کردند، در کتاب‌های اخلاقی و برخی تفاسیر و نیز کتاب‌های حدیثی و فقهی به نقل و احیاناً ترجمه حدیث اکتفا شده است؛ ۲. در نوشتار حاضر، آداب دانش‌اندوزی و شرایط لازم معلم از دیدگاه امام رضا^(ع) بررسی شده است.

اهمیت علم

در متون اسلامی، از علم تمجید شده و عالمان، از جمله محبوب‌ترین مردم در پیشگاه خداوند به حساب آمده‌اند، مثلاً حضرت موسی^(ع) از خداوند پرسید محبوب‌ترین مردم در پیشگاه شما کیست؟ خداوند فرمودند: «عالمی که در طلب علم باشد» (زمخسری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۶). همچنین در برخی از روایت‌ها، ارزشمندترین افراد، عالم‌ترین آنها و کم‌ارزش‌ترین افراد، کم‌علم‌ترین آنها به‌شمار آمده‌اند (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۶۴).

در برخی روایت‌ها آمده که خیر دنیا و آخرت، در علم و شر دنیا و آخرت، در جهل نهفته است (فتال‌نیشابوری، بی تا: ۱۲).

امام رضا^(ع) نیز فرموده‌اند:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فِي مَظَانِّهِ، وَاقْتَسِبُوهُ مِنْ أَهْلِهِ، فَإِنَّ تَعْلَمَهُ اللَّهُ حَسَنَةً، وَطَلَبَهُ عِبَادَةً، وَالْمَذَاكِرَةَ فِيهِ تَسْبِيحٌ، وَالْعَمَلُ بِهِ جِهَادٌ، وَتَعْلِيمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ، وَبَدَلُهُ لِأَهْلِهِ قَرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ (تعالی)، لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَمَنَارُ سُبُلِ الْجَنَّةِ، وَالْمُونِسُ فِي التَّوْحُشَةِ، وَالصَّاحِبُ فِي الْغُرْبَةِ وَالتَّوْحِدَةِ، وَالْمُحَدِّثُ فِي الْخُلُوعِ، وَالدَّلِيلُ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ، وَالسَّلَاحُ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَالتَّرِينَ عِنْدَ الْأَخْلَاءِ. يُرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةَ، تَقْتَسِبُ آثَارَهُمْ، وَيُهْتَدَى بِفَعَالِهِمْ، وَيُنْتَهَى إِلَى آرَائِهِمْ، تَرْغَبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خَلْتِهِمْ، وَبِأَجْنَحَتِهَا تَسْمِعُهُمْ، وَفِي صَلَاتِهَا تَبَارَكَ عَلَيْهِمْ، يَسْتَغْفِرُ لَهُمْ كُلَّ رَطْبٍ وَبَابِسٍ حَتَّى حَيْثَانُ الْبَحْرِ وَهَوَامُهُ، وَسَبَاعُ الْبَرِّ وَأَنْعَامُهُ، إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ، وَضِيَاءُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمَةِ، وَقُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ، يَبْلُغُ بِالْعَبْدِ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ، وَبِمَجَالِسِ الْأَبْرَارِ، وَالدَّرَجَاتِ الْعُلْيَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، الذِّكْرُ فِيهِ يَعْدِلُ بِالصِّيَامِ، وَمَدَارِسُهُ بِالْقِيَامِ، بِهِ يُطَاعُ الرَّبُّ وَيُعْبَدُ، وَبِهِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ، وَيَعْرِفُ الْحَلَالَ مِنَ الْحَرَامِ، الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ، يَلْهَمُ بِهِ السُّعْدَاءَ وَيُحْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءَ، فَطُوبَى لِمَنْ لَمْ يَحْرَمْهُ اللَّهُ مِنْهُ حَظَّهُ؛ طَلَبَ دَانِشَ بَرِّهِرِ مُسْلِمَانِي وَاجِبَ اسْتِ، بَسِ دَانِشَ رَا از هَر جَا كِه اِحْتِمَالِ مِي دِهِيْدِ وَجُودِ دَارْدِ وَ از اَهْلَشِ بَجُويِيْدِ. آموزش در راه خدا حسنه است و طلب آن، عبادت و گفتگوي علمي، تسبيح و عمل بدان، جهاد و آموزش آن به كسي كه آگاهي ندارد، صدقه بوده و دادن آن به اهلش، موجب نزديكي به خداوند است، زيرا علم، نشانه‌هاي حلال و حرام و علامت راه‌هايي است كه به بهشت مي‌رسد و هنگام وحشت، ياور آدمي است و هنگام غربت، يار انسان و تنهائي و سخنگوي در خلوت و هنگام سختي و شدت، راهنما و در برابر دشمنان، جنگ‌افزار و در ميان دوستان زينت است. خداوند در پرتو آن، مردماني را به اوج مي‌رساند و در امور خير، راهبرشان بوده تا جايي كه از آثار ايشان اقتباس شده، از رفتار نيكشان ره مي‌يابند و همه به اندیشه ايشان مي‌رسند. فرشتگان، دوستي با ايشان را دوست دارند، بال خويش را براي طالبان علم گسترانده و در نمازشان براي آنها طلب برکت و آموزش مي‌کنند. هر خشک و تری، حتي ماهيان دريا، حشره‌ها، درندگان و چهارپايان خشكي، براي ايشان طلب آموزش مي‌کنند. دانش، موجب زنده بودن دل در برابر جهل، پرتو دیدگان در ميان ظلمت و نیرومندی جسم از سستي است. دانش، نيکان را به منزلگاه‌هاي برگزیدگان، سراي نيکان و درجه‌های والاي دنيا و آخرت مي‌رساند.

یادآوری در دانش، همسنگ روزه و مباحثه آن چونان شب‌زنده‌داری است. در پرتو آن، خداوند را فرمان‌برده و او را می‌پرستند. با آن صلّه رحم به‌جای آورده می‌شود و به‌وسیله آن، حلال از حرام تمیز داده می‌شود. علم، جلودار عمل و عمل، پیرو علم است. نیک‌بختان، از آن برخوردار و نگون‌بختان، از آن بی‌بهره هستند، پس خوشا به حال آن کس که خدا از دانش، بی‌بهره‌اش نساخته است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸).

نکاتی از سخن امام رضا^(ع)

از میان سخنان امام رضا^(ع) که بیان شد، نکات ذیل برداشت می‌شوند:

۱. وجوب طلب علم

جمله «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ...» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸)، نشانگر آن است که طلب علم، واجب است. در برخی احادیث، طلب علم از طلب مال، واجب‌تر دانسته شده است، مثلاً امام علی^(ع) فرمودند: «طلب علم بر شما واجب‌تر است تا طلب مال» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۷۳).

منظور از اوجب بودن طلب علم آن است که در فرض تراحم بین علم و کسب، علم بر مال مقدم می‌شود (عراقی، ۱۴۱۴ق، ۵: ۱۱۸).

در توجیه اوجب بودن علم می‌توان گفت مال و علم از راه‌های خاص و به مقدار معلوم و مشخصی که در علم خدا مقدر است به‌دست می‌آیند، اما چون مردم غالباً در فکر تحصیل علم نیستند، تحصیل علم، به زحمت و طلب بیشتری نیاز دارد، زیرا در اینکه مال و علم قسمت شده‌اند و هر یک از آنها به طلب نیاز دارند تردیدی نیست (حسینی شیرازی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۵۲). از همین روی، دعای ترک‌کننده طلب مال به اجابت نمی‌رسد (خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۶: ۲۹۵). در برخی از روایت‌ها آمده که از جمله علل اوجب بودن طلب علم آن است که با توجه به آیاتی مانند «لَنْ نَقْسِمَ لَكُمُ الْيَوْمَ بِعَيْشَتِهِمْ» (زخرف/ ۳۲)، خداوند عادل، تقسیم مال را تضمین نموده و به وعده‌اش در این‌باره وفا می‌کند، اما علم در نزد صاحبان آن ذخیره

بوده و لذا به مردم امر شده که آن‌را از اهلش طلب کنند (حراعلمی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۲۵)؛ اما با بیانی که گذشت، مقدار معلوم علم در نزد خداوند نیز تقسیم شده است، ولی رسیدن به آن زحمت بیشتری دارد. در عین حال نمی‌توان انکار کرد که از جمله دلایل اوجب بودن طلب علم آن است که براساس روایت‌ها، علم در موارد چندی بر مال برتری دارد، مثلاً امام علی^(ع) فرمودند:

علم در هفت چیز بر مال برتری دارد، از جمله: ۱. علم میراث پیامبران اما مال میراث فراغنه است؛ ۲. علم با بدل کاهش نمی‌یابد، اما مال با هزینه کردن کاهش می‌یابد؛ ۳. مال به نگهبان نیاز دارد، اما علم صاحب خویش را حفظ می‌کند؛ ۴. علم در کفن داخل می‌شود اما مال باقی می‌ماند؛ ۵. مال برای مؤمن و کافر و علم فقط برای مؤمن حاصل می‌شود؛ ۶. همه مردم در امور دین خود به عالم نیاز دارند، اما به صاحب مال نیاز ندارند؛ ۷. علم برای عبور از پل صراط به انسان قدرت می‌دهد، اما مال مانع عبور وی از روی پل صراط می‌شود (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۸۵).

با توجه به لزوم برنامه‌ریزی در اوقات و استفاده بهینه از آنها که امام رضا^(ع) به آن اشاره نمودند (همان، ۱۴۱۰ق، ج ۷۵: ۳۴۶)، امام صادق^(ع) به اختصاص مقداری از شبانه‌روز برای تحصیل و طلب علم توصیه و فرمودند: «در آنچه که لقمان پسرش را به آن موعظه کرد این بود که به او گفت ای فرزندم، در روزها و شب‌ها و ساعت‌های (زندگی) خود قسمتی را برای خودت در طلب علم و دانش قرار بده» (همان، ج ۱: ۱۶۹).

روایت مزبور، مداومت در طلب علم و گفتگو درباره آن‌را تشویق می‌کند، زیرا ترک طلب علم و گفتگو درباره آن موجب از بین رفتن و فراموش کردن آنچه انسان به دست آورده می‌شود (همان).

در مواردی، امام رضا^(ع) به برخی از علوم همچون شناخت قرآن، فقه و حدیث به‌طور ویژه توجه کرده‌اند، موارد مزبور دلیل بر انحصار و جوب طلب علم به قرآن، فقه و حدیث نیست، بلکه آنها برخی از مصادیق مهم علم هستند که مورد تأکید و توجه خاص ایشان قرار گرفته‌اند، مثلاً فرمودند: «خداوند به پیامبر^(ص) قرآن را آموزش داد» (طوسی، ۱۴۱۴ق:

۴۸۸) و نیز درباره تفقه در دین فرمودند: «حقیقت ایمان در بنده‌ای به کمال نمی‌رسد مگر اینکه سه خصلت در او باشد: دین را درست و کامل بفهمد، در معیشت، خوب اندازه‌داری کند و در برابر بلاها بردبار باشد» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۵: ۲۳۹).

همچنین برای مبتلا نشدن به ربا، یادگیری احکام مربوط به تجارت را توصیه و فرمودند: «هر که بدون علم و فقه، تجارت کند، گرفتار ربا شده و در آن فرو می‌رود» (امام رضا^ع، ۱۴۰۶ق، ب: ۲۵۰).

درباره تعلیم و آموزش احادیث به دیگران نیز فرمودند: «پیامبر^ص سه بار فرمودند: خدایا، جانشینان مرا رحمت کن، پرسیدند: ای پیامبر خدا^ص! جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمودند: آنان که پس از من می‌آیند، احادیث و سنت مرا نقل می‌کنند و به مردمان پس از من می‌رسانند» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۴۴).

تشویق امام رضا^ع به خستگی‌ناپذیری از طلب علم در طول عمر و برشمردن آن از جمله خصوصیات ده‌گانه که موجب کمال عقل انسان می‌شوند (همان، ج ۷۵: ۳۳۶) و نیز تشویق به سیری‌ناپذیری از علم در جمله «چهار چیز از چهار چیز سیر نمی‌شوند: زمین از باران، زن از مرد، چشم از نگریستن و عالم از علم» (صدوق قمی، ۱۳۶۲: ۲۲۲)، نشانگر توجه ایشان به مطلق علم و محدود ندانستن آن به معارف دین است. از جمله دلایل توجه امام رضا^ع به مطلق علم، آن است که طلب علم - گرچه نزد مشرک باشد - را تشویق کردند، مسلمانان را نسبت به آن سزاوارتر دانستند (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸) و فرمودند: «علم، گمشده مؤمن است» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۶۸).

۲. لزوم دریافت علم از جاهایی که احتمال وجودش می‌رود.

امام رضا^ع در جمله «فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فِي مَطَائِنِهِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸) اشاره نمودند در هر جا که مسلمان احتمال دهد علم وجود دارد، باید برای دریافت آن اقدام کند، پس دریافت علم را حتی اگر در نزد مشرکی باشد، تشویق کردند، مسلمان را برای دریافت آن سزاوارتر

دانستند و فرمودند: «دانش، گمشده مؤمن است، دانش را فرا گیرید، گرچه نزد مشرک باشد، در اینجا شما شایسته‌تر از آن هستید» (همان) تعبیر «أَحَقَّ بِهَا» نشانگر آن است که مسلمان، صاحب واقعی علم بوده و علمی که مشرک دارد، علم مسلمانان بوده که در نزد وی عاریه است.

۳. اقتباس و طلب علم از افرادی که ویژگی و اهلیت لازم را دارند.

جمله «وَ أَقْتَبِسُوهُ مِنْ أَهْلِهِ: علم را از اهل آن بگیرید» (همان)، به لزوم دریافت از افرادی که اهلیت و شایستگی لازم را دارند، اشاره دارد.

اقتباس در لغت به معنای طلب قیس، یعنی شعله بوده، اما استعاره در معنای طلب علم است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۵۲؛ محمود، بی‌تا، ج ۱: ۲۵۸).

سخن علی^(ع) که فرمودند: «علم، بسان گنجی در نزد دانشمندان محفوظ است و به شما امر کرده‌اند که آن را از دارندگان اقتباس (طلب) کنید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۲۵)، مؤید آن است که در جمله «وَ أَقْتَبِسُوهُ مِنْ أَهْلِهِ»، اقتباس در معنای طلب علم به‌کار رفته است.

گرچه طلب علمی که معارف دینی نیستند، حتی اگر نزد مشرک باشند، ضروری و واجب بوده و گمشده عاقل یا مؤمن تلقی شده‌اند، اما علوم مربوط به دین (معارف دینی) را باید از افرادی که شایستگی آن را دارند دریافت کرد و با توجه به سخن علی^(ع) که تبعیت از اهل بیت^(ع) و عدم پیشی گرفتن از ایشان را توصیه و عقب ماندن از آنها را نهی نمودند، اهل بیت^(ع) کارشناسان واقعی علوم دینی بوده و مسلمانان تنها مجاز هستند علوم دین را از ایشان دریافت کنند، چنان‌که فرموده‌اند: «بر آنها پیشی مگیرید که همراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباه می‌شوید» (رضی، ۱۳۷۹: ۱۴۳).

حدیث ثقلین (صدوق قمی، ۱۴۰۰ق: ۴۱۵)، آیه ذکر (نحل/۴۳) و... نیز این مدعا را ثابت می‌کنند. علی^(ع) در جای دیگر فرمودند: «ای کمیل! (علم و معارف و اعتقادات را) جز از ما نگیر تا از ما باشی» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۲: ۱۷۱).

حدیث مزبور، دریافت علم از کسانی که علوم اهل بیت^(ع) را نشر می‌دهند رد نمی‌کند، زیرا گرفتن علم از فقها و نشردهندگان علوم اهل بیت^(ع) به نوعی اخذ علوم از اهل بیت^(ع) است، از سوی امام رضا^(ع) در جمله «خدا پیامزد کسی را که امر ما را زنده کند، (راوی گفته است): عرض کردم: امر شما چگونه زنده می‌شود؟ فرمودند: به آموختن علوم ما و تعلیم دادن آن به مردمان» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۰)، اخذ علم از اهل بیت^(ع) و آموزش آنها به دیگران را تشویق نمودند. همچنین حضرت، راویان حدیث، سنت پیامبر^(ص) و تعلیم‌دهندگان آنها به مردم را خلفای پیامبر^(ص) تعبیر نمودند (همان: ۱۴۴)، خلفا به ائمه^(ع) محدود نشده است، بلکه شامل فقها نیز می‌شود (خمینی، ۱۴۲۳ق: ۶۲).

۴. خصال و امتیازها و نقاط مثبت علم

امام رضا^(ع) موارد ذیل را از امتیازها و ویژگی‌های علم برشمردند:

آموختن علم، حسنه است.

جمله «تَعَلَّمِ لِّلَّهِ حَسَنَةً؛ یادگیری علم برای خداوند حسنه است» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸)

به این ویژگی اشاره دارد.

طلب علم، عبادت است.

جمله «طَلَبِهِ عِبَادَةٌ» (همان) به این ویژگی اشاره دارد. در برخی روایت‌ها، نشستن در

جلسه درس فقها، عبادت تلقی شده است، مثلاً پیامبر^(ص) فرمودند: «فقیهان، فرمانروایان

جامعه‌اند، نشستن نزد ایشان عبادت است» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶۷: ۲۹۰).

مذاکره علم، تسبیح خداست.

جمله «الْمَذَاكِرَةُ فِيهِ تَسْبِيحٌ؛ مذاکره علم، تسبیح خداوند است» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸) به

این ویژگی اشاره دارد، پس یک ساعت در طلب علم بودن بهتر از احیای یک شب و یک روز

در طلب علم بودن بهتر از ۳۰ ماه روزه، دانسته شده است (متقی‌هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰: ۱۳۱).

عمل به علم، جهاد است.

جمله «الْعَمَلُ بِجِهَادٍ؛ عمل به علم جهاد است» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸) به این امتیاز علم اشاره دارد.

آموزش علم به دیگران، صدقه است.

با توجه به جمله «تَعْلِيمُهُ مِنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ» (همان)، از دیدگاه امام رضا^(ع) آموزش علم به افراد فاقد آگاهی، نوعی صدقه است، زیرا صدقه، به کمک مالی محدود نمی‌شود، بلکه شامل هر کار خوبی می‌شود، چنان‌که فرمودند: «انجام هر کار معروف، صدقه است» (امام رضا^(ع)، ۱۴۰۶ق. ب: ۳۷۳).

همچنین در برخی از روایت‌ها، اصلاح بین دیگران، صدقه^۱ محبوب خداوند دانسته شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۵۳۱). در تفسیر آیه «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره/۳) نیز آمده که از آنچه به ایشان یاد دادیم، دیگران را آموزش می‌دهند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۷). از سویی، صدقه انتقال علم به دیگران، آموزش به افراد مستحق و نیازمند به آن است (همان، ج ۹۳: ۱۳۶).

در برخی روایت‌ها نیز آمده زکات علم، در آموزش آن به بندگان خداوند است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۰۱).

در توجیه اطلاق صدقه بر آموزش علم به دیگران و اصلاح بین دیگران می‌توان گفت صدقه به پنج بخش تقسیم می‌شود:

- صدقه مال: این نوع صدقه بسیار روشن است.
- صدقه زبان: آن است که انسان با بهره گرفتن از زبان خود، بین دیگران واسطه شود و در اصلاح بین آنها بکوشد، چنان‌که خداوند فرموده است: «در بسیاری از نجواهایشان فایده‌ای نیست، مگر در سخن آنان که به صدقه دادن یا نیکی کردن یا آشتی‌جویی فرمان می‌دهند» (نساء/۱۱۴).

- صدقه جاه و مقام: این نوع صدقه، یعنی فردی که از جاه و مقام و نفوذی برخوردار است از نفوذ خود برای آزادی اسیر، جلوگیری از ریختن خون دیگران، مقابله با امور

ناخوشایند، انجام کار نیک برای هم‌نوع و مشابه آنها بهره‌گیر (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق: ۷۱).
 - صدقه علم: بذل آن به افراد ناآگاه و نیازمند به علم است. پیامبر (ص) فرمودند: «از جمله صدقه آن است که شخص، علم را فرا گرفته و به مردم آموزش دهد» (همان: ۷۲).

- با استناد به سخن پیامبر (ص) که فرمودند: «به برادر خود علمی صدقه دهید که راهنمای او شود و اظهار نظری که او را در راه حق و عمل به آن استوار دارد» از صدقه دیگری به نام «رای و مشورت دادن به دیگران» سخن به میان آمده است (همان)، اما به نوعی می‌توان این صدقه را از اقسام نوع چهارم صدقه برشمرد.

بذل علم به دیگران (آموزش علم) موجب تقرب به خداوند است.

جمله «بَذَلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ؛ بذل علم به اهل آن موجب تقرب به خداوند است» (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۴۸۸) به این ویژگی اشاره دارد.

علم، ممیز حلال و حرام است.

جمله «لَا تَهْتِكُ مَعَالِمَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ؛ زیرا علم، تمیزدهنده حلال و حرام است» (همان) به این ویژگی علم اشاره دارد و علوم مربوط به دین همچون فقه و... را توصیه می‌کند.
 از سویی، اگر فردی عالم نباشد، راه مبارزه با نفس و شیطان را نمی‌داند، پس علم اخلاق مهم است.

علم، طالبان خود را به بهشت می‌برد.

جمله «مَنَارُ سُبُلِ الْجَنَّةِ؛ علم، علامت راه‌های بهشت است» (همان)، نشانگر آن است که یادگیری علم از روی انگیزه الهی و عمل به آن موجب ورود به بهشت می‌شود، در برخی روایت‌ها نیز آمده «علم ثمره بهشت است» (مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۷۵: ۱۸۹).

علم، مونس تنهایی یا ترس انسان است.

جمله «الْمُونِسُ فِي الْوَحْشَةِ؛ علم، مونس ترس یا تنهایی است» (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۴۸۸) به این ویژگی اشاره دارد.

حضرت علی (ع) نیز فرمودند: «هر که با علم خلوت کند، هیچ خلوتی او را به وحشت

نیندازد، زیرا در هر خلوتی، علم مونس اوست و از تنهایی به وحشت نمی‌افتد» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵: ۲۳۳).

با توجه به ارتباط علم و کتاب، امام علی^(ع) فرمودند: «هر که با کتاب‌ها تسلی یابد، هیچ آرامشی را از دست نداده است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۹).

همچنین فرمودند: «کتاب‌ها، باغ‌های دانشمندان هستند» (همان).

«الصَّاحِبُ فِي الْغُرْبَةِ وَالْوَحْدَةِ؛ علم، دوست انسان در غربت و تنهایی است» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸).

با توجه به این ویژگی علم، عالم هیچ‌گاه از تنهایی خسته نمی‌شود، زیرا همیشه همراهی به نام علم دارد که همراهی‌اش می‌کند.

علم با فرد عالم در خلوت، هم صحبت است.

«المُحَدِّثُ فِي الْخُلُوةِ» (همان)، با توجه به این ویژگی، عالم در خلوت، آگاهی‌ها و علوم خود را مرور می‌کند و همراه دارد، پس در عین خلوت و تنهایی، به دلیل تفکر و مرور در علم خود، با علم خود سخن می‌گوید.

علم در هنگام سختی‌ها و مشکلات، راهنماست.

«الدَّلِيلُ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ» (همان)، براساس این ویژگی علم، عالم در هنگام سختی‌ها، از امتحان، ابتلاء و لزوم صبر سخن می‌گوید و در غلبه بر مشکلات یاری می‌رساند و چاره‌جویی و به آرامش کمک می‌کند.

علم، سلاحی بر علیه دشمنان است.

«السَّلَاحُ عَلَيَّ الْأَعْدَاءِ» (همان)، با توجه به این ویژگی علم در دنیای امروز که عصر اطلاعات بوده و با وسایل ارتباط جمعی، تهاجم فرهنگی صورت می‌گیرد، مقابله با دشمنان، به‌ویژه دشمنان خارجی با علم و ترویج آن، مقابله با جهل، پاسخگویی به شبهه‌ها و نیز تأکید بر خودباوری امکان‌پذیر است، پس علم می‌تواند سلاحی علیه دشمنان باشد.

علم، موجب زیبایی و زینت دوستان است.

«الزَّيْنُ عِنْدَ الْأَخْلَاءِ» (همان)، از جمله امتیازهای علم آن است که دوستان را یاری رسانده

و موجب زینت‌شان می‌شود. از سویی، با توجه به این امتیاز، عالم نزد دوستان خود مورد احترام قرار می‌گیرد، زیرا آنها به شایستگی او بیشتر آگاهی دارند.

بالا رفتن عالم و الگوی خوبی و هدایت برای دیگران قرار گرفتن

جمله «يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةَ...» خداوند در پرتو علم، مردمانی را به اوج می‌رساند. در امور خیر، راهبرشان می‌گرداند که از آثار ایشان اقتباس می‌شود، از رفتار نیکشان ره می‌یابند و همه به اندیشه ایشان می‌رسند» (همان) به این ویژگی علم اشاره دارد. صاحب علم مورد رغبت ملائکه قرار می‌گیرد.

با توجه به جمله «تَرْغَبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خَلْتِهِمْ...» (همان)، ملائکه آرزوی دوستی با صاحبان علم را دارند، بال‌هایشان را برای ایشان می‌گسترانند و در نمازشان بر آنها درود و تبریک می‌فرستند. امام سجاده^(ع) نیز در جمله‌ای مشابه فرمودند: «همانا، فرشتگان بال‌های خود را برای جوینده دانش می‌گشایند، زیرا از آنچه او می‌جوید خشنود هستند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۱۲).

درباره معنای وضع جناح ملائکه چند احتمال وجود دارد:

۱. وضع جناح، آن است که ملائکه بال‌های خود برای نشستن طالب علم فرش می‌کنند.
 ۲. وضع جناح ملائکه، تواضع و فروتنی ایشان برای طالبان علم است.
 ۳. منظور از تعبیر مزبور، مهربانی و لطف ملائکه نسبت به طالب علم است، زیرا پرنده بال‌هایش را برای جوجه‌هایش می‌گستراند.

۴. منظور از تعبیر مزبور، یاری کردن طالب علم است.

تعبیر امام رضا^(ع) مؤید دیدگاه سوم است (همان).

همه موجودات، برای طالب علم، طلب مغفرت می‌کنند.

«يَسْتَعْفِرُ لَهُمْ كُلُّ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ حَتَّى حِيَتَانُ الْبَحْرِ...»؛ هر تر و خشکی، حتی ماهیان دریا و درندگان و چهارپایان صحرا برای طالب علم، طلب مغفرت و آمرزش می‌کنند» (طوسی، ۴۱۴ق: ۴۸۸).

ممکن است منظور از طلب مغفرت همه موجودات برای عالم آن باشد که عالم جایگاه

بلندی دارد به‌گونه‌ای که حتی در آسمان از وی یاد می‌شود. ممکن است منظور از طلب مغفرت آن باشد که به تعداد طالبان مغفرت، گناه صاحب علم بخشیده شده یا به همان تعداد به وی پاداش داده می‌شود. احتمال دارد منظور از طلب مغفرت آن باشد که همه موجودات، درخواست پوشیده شدن گناه طالب علم را می‌کنند، زیرا طالب علم، ستر گناه جهل خویش را طلب می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۱۲).

علم، زنده‌کننده دل‌ها از مرگ جهل است.

«إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸).

در متون اسلامی، جهل نکوهش شده است، مثلاً علی^(ع) فرمودند: «هیچ فقری بدتر از جهل نیست» (آمدی، ۱۳۶۶: ۷۳). همچنین آن‌را سرچشمه هر نوع شر و بدی برشمردند (همان). پیامبر^(ص) نیز فرمودند: «خیر دنیا و آخرت همراه علم و شر دنیا و آخرت همراه جهل است» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۰۴)، از همین روی مبارزه با جهل توصیه شده است، مثلاً امام علی^(ع) فرمودند: «توسط علم با جهل مبارزه کنید» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴).

تصریح حضرت علی^(ع) در روایت «جهل، مرگ است» (همان: ۷۵) به مرگ بودن جهل، مفهوم جمله «إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸) را روشن می‌کند، زیرا علم، زنده‌کننده دل از مرگ جهالت است، از همین روی امام رضا^(ع) فرمودند: «عالم در بین جاهلان همانند زنده بین مردگان است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۲۸).

حضرت علی^(ع) در جمله دیگری فرمودند: «علم، میراننده جهل است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴). با توجه به آنچه در مورد اطلاق مرگ بر جهل گذشت، در برخی از روایت‌ها، از جاهل به عنوان «میت» و از عالم- حتی در فرض فوت وی- به عنوان «حی» تعبیر شده است، مثلاً امام علی^(ع) فرمودند: «عالم، زنده است گرچه مرده باشد» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷) و نیز فرمودند: «جاهل مرده است گرچه زنده باشد» (همان: ۷۵).

علم، روشنی چشم‌ها در تاریکی است.

«ضِيَاءُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمَةِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸).

از آنجا که جهل نوعی تاریکی و ظلمت است، علم به‌عنوان چراغ عقل، تاریکی جهل را از بین می‌برد. علی^(ع) فرمودند: «علم، چراغ عقل است» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۳).

در روایت دیگری، از شیعیان عالم خواستند که در خارج کردن ضعفای شیعه از تاریکی جهل بکوشند، آنجا که فرمودند: «از شیعیان ما، هر که به آیین ما آگاه باشد و شیعیان ناتوان را از تاریکی جهل به نور دانش - که ما به او بخشیده‌ایم - درآورد، در روز قیامت با تاجی از نور که بر سر دارد و به اهل محشر نور می‌بخشد، وارد می‌شود» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲).
در تفاوت این دو امتیاز علم باید گفت در جمله «إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸)، از علم در رابطه با قلب سخن به میان آمده، اما این ویژگی به رابطه علم و عقل اشاره دارد، بدیهی است که علم می‌تواند هم زنده‌کننده دل باشد و هم در مبارزه با جهل به‌عنوان چراغ عقل عمل کند، لذا امام رضا^(ع) فرمودند: «علم، پیشرو یا پیشوای عقل بوده و عقل تابع آن است» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۷۱).
علم، مایه نیرومندی تن‌ها در برابر سستی و ضعف است.

«قُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸).
نقش علم در نیرومندی بدن انکارناپذیر است، زیرا علم راه‌های حفظ سلامتی را آموزش می‌دهد، از سویی، نیرومندی بدن حتی در اجرا و عمل به تعالیم و دستورهای دینی مؤثر است، چنان‌که در تفسیر آیه «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» (بقره/۶۳) آمده که از امام صادق^(ع) پرسش شد آیا منظور از گرفتن آیات الهی با قوت و قدرت، قوت جسمانی است یا معنوی و روحانی؟ حضرت فرمودند: «هم با قدرت جسمانی و هم روحانی» (امام رضا^(ع)، ۱۴۰۶ق. ب: ۳۷۸).
جمله مزبور، دستوری برای همه پیروان ادیان آسمانی است که برای حفظ این تعلیمات و اجرای آنها در هر زمان، هم به نیروهای مادی مجهز باشند و هم قوای معنوی.

علم، بنده را به درجه برگزیدگان و مجالس نیکان می‌برد.

«يُبْلَغُ بِالْعِبَادَةِ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ، وَ مَجَالِسَ الْأَبْرَارِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸).

علم در دنیا و آخرت موجب علو درجات می‌شود.

«وَالدَّرَجَاتُ الْعُلَى فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (همان).

آیه «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱) و موارد مشابه، به بالا بردن درجات عالمان اشاره دارد. آیه مزبور دال بر آن است که مؤمنان دو گروه هستند، یکی، آنهایی که تنها مؤمن هستند، دوم، آنهایی که هم مؤمن هستند و هم عالم و گروه دوم بر گروه اول برتری دارند.

توصیه به همنشینی با علما در سخن حضرت علی^(ع) که فرمودند: «کسی که با دانشمندان معاشرت کند مورد احترام قرار می‌گیرد» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۴: ۲۸۴) برتری صاحب علم را در دنیا نشان می‌دهد.

مذکره علم و گفتگو در مباحث علمی، مانند آن است که صاحب علم، روزه داشته یا در عبادت پروردگار شب‌زنده‌داری کند.

«الذَّكْرُ فِيهِ يَعْدِلُ بِالصِّيَامِ وَ مَدَارِسُهُ بِالْقِيَامِ: يَادَاوْرِي دَر دَانِش، هَمْسَنَگ رُوزَه وَ مَبَاحِثُهُ آن مانند شب‌زنده‌داری است» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸).

در روایت دیگری عبارت مذکور به شکل «الفکر فيه يعدل الصيام» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۷۳) به کار رفته، در این صورت معنایش، فکر را به علم مشغول کردن، معادل روزه گرفتن است. اطاعت و عبادت پروردگار با علم امکان‌پذیر است.

«بِهِ يُطَاعُ الرَّبُّ وَ يَعْبُدُ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸). چگونه اطاعت و عبادت خداوند در قرآن و سنت بیان شده است، از این رو عالمان دینی با استفاده از این دو، می‌توانند چگونگی اطاعت و عبادت خدا را بیان کنند.

پیوند با خویشاوندان، توسط علم میسر می‌شود.

«بِهِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ: صَلَةٌ رَحِمَ بَا عِلْمَ صُورَتِ مِی‌گِیَرِد» (همان).

در چگونگی این ویژگی علم باید گفت معارف دینی اعم از قرآن و سخنان معصومان^(ع)، از جمله امام رضا^(ع) ضمن تشویق و ترغیب به صلۀ رحم و نکوهش قطع رحم، فواید و

چگونگی صلۀ رحم و زیان‌های قطع رحم بیان شده است، از سویی، در علم اخلاق با استناد به آیات قرآن و روایت‌ها از جمله روایت‌های امام رضا^(ع)، صلۀ رحم به صور گوناگون تشویق شده و قطع رحم، گناه کبیره دانسته شده و شیوه‌های گوناگون صلۀ رحم همچون سلام کردن به خویشاوند، پاسخ خوب دادن به سلام و آب دادن به وی (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۵۳۹؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۳۸۹) و... بیان شده است. از این رو صلۀ رحم، چگونگی و دلیل ضرورت آن و نیز شیوه‌ها و فواید آن توسط معارف دین تبیین شده است.

حلال و حرام به وسیله علم مشخص شناخته می‌شوند.

«وَيَعْرِفُ الْحَلَالَ مِنَ الْحَرَامِ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸).

حلال‌ها و حرام‌ها توسط قرآن و معصومان^(ع)، از جمله امام رضا^(ع) بیان شده‌اند. علوم مربوط به دین (معارف دینی)، از جمله فقه، عهده‌دار بیان حلال و حرام هستند. از آنجا که شرافت علوم با موضوع آنها ارزیابی می‌شود، بی‌تردید بهترین علم، علمی است که نفع‌اش فراگیرتر و فایده‌اش کامل‌تر باشد، یقیناً چنین علمی، علم شریعت و دین است.

امام رضا^(ع) در مرو اشاره نمودند که در هنگام رحلت پیامبر^(ص) خداوند دین ایشان را کامل نمود و قرآن را بر ایشان نازل کرد که حاوی هر چیزی از حلال‌ها، حرام‌ها و حدود بوده است و نیازهای انسان را به‌طور کامل دربر دارد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۴۸۹).

معصومان^(ع)، از جمله امام رضا^(ع) مفهوم حلال و حرام را بیان نموده‌اند (همان)، از سویی، با توجه به آنکه احادیث معصومان^(ع) حاوی حلال و حرام بوده، حفظ و فهم آنها مورد تشویق گرفته است، مثلاً امام رضا^(ع) به نقل از پیامبر^(ص) فرمودند: «هر کس از امت من ۴۰ حدیث که مردم از آن سود برند را حفظ کند، خداوند در روز قیامت وی را عالم فقیه محشور می‌کند» (۱۴۰۶ق. الف: ۴۵).

همچنین فرمودند:

پیامبر^(ص) سه بار فرمودند: خدا یا جانشینان مرا رحمت کن، پرسیدند: ای پیامبر خدا^(ص)!

جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمودند: آنان که پس از من می‌آیند و احادیث و سنت

مرا نقل می‌کنند و به‌دست مردمان پس از من می‌رسانند (صدوق قمی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۸) در سخن یاد شده خلفا به ائمه^(ع) محدود نمی‌شود، بلکه فقها را نیز شامل می‌گردد. (خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۶۲۹).

همراه بودن علم و عمل

«الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸).

از جمله امتیازهای علم آن است که با عمل همراه باشد، از سویی، عمل به راهنمایی علم نیاز دارد، پس هیچ‌یک از آن دو بدون دیگری، نفعی ندارند. عالم باید اهل عمل باشد و بداند که علم بدون عمل، او را نجات نخواهد داد. پیامبر^(ص) فرمودند: «کسی که علمش زیاد شود اما هدایت (و عملش) افزون نشود، نفعی جز دوری از خدا نبرده است» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۷).

عمل بدون علم نیز نفعی ندارد، چنان‌که امام رضا^(ع) فرمودند: «کسی که بدون آگاهی و بصیرت عمل کند، مانند کسی است که بیراهه حرکت می‌کند، هر چه سریع‌تر برود، از راه اصلی دورتر می‌شود» (۱۴۰۶ق. ب: ۳۸۱).

ایشان همچنین درباره لزوم همراهی عمل با علم، در تفسیر آیه «فَكَبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ: آنان و گمراهان در آتش افکنده شوند» (شعراء/۹۴) فرمودند:

آنها گروهی هستند که با زبانشان کار خوبی را بیان نموده، آن‌گاه بر خلاف آن عمل کرده‌اند. از حضرت پرسیده شد منظور چیست؟ فرمودند: هر گاه انسان با زبان خود عدل را توصیف کند و آن‌گاه بر خلاف آن عمل کند و آن‌گاه در روز قیامت ببیند که ثواب آنچه توصیف کرده به دیگری داده شده است، حسرتش زیاد خواهد شد (۱۴۰۶. ب: ۳۷۶).

الهام شدن علم به مردمان خوشبخت و محروم شدن مردمان بدبخت و سیه‌روز از آن

«يَلْهَمُ بِهِ السُّعْدَاءَ وَيُجْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءَ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۸).

از جمله نقاط مثبت علم آن است که خداوند آن‌را به مردم خوشبخت، الهام و مردم بدبخت را از آن محروم می‌فرماید، پس امام رضا^(ع) فرمودند: «خوش به حال کسی که خداوند، وی را از علم محروم نکند» (همان).

علاوه بر آنچه گذشت، امام رضا^(ع) امتیازهای خوب دیگری نیز در سخنانشان برای علم بر شمرده‌اند، از جمله:

علم بر حکام و زمامداران حاکم است.

امام رضا^(ع) در جمله «پادشاهان، حاکم بر مردم هستند، اما علم بر ایشان حاکم است» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۸)، اشاره نمودند که هر چند زمامداران، حاکم بر مردم هستند، علم بر زمامداران حاکم است، پس قدرت علم بیش از قدرت حاکمان است. عالم نسبت به عابد برتری دارد.

از جمله امتیازهای علم از دیدگاه امام رضا^(ع) آن است که صاحب علم (عالم) بر عابد برتری دارد، زیرا در روز قیامت، عابد به تنهایی وارد بهشت می‌شود، اما نمی‌تواند با شفاعت خود دیگران را به بهشت ببرد، ولی عالم، علاوه بر آنکه خودش وارد بهشت می‌شود، کسانی را که از علم وی یا شاگردانش بهره گرفتند نیز شفاعت می‌کند و به بهشت می‌برد، چنان‌که فرمودند:

روز قیامت به عابد گفته می‌شود تو مرد خوبی بودی، برای خودت کوشش کردی و زاد و توشه خود را فراهم ساختی، اینک داخل بهشت شو، اما فقیه کسی است که جامعه را از علوم خود بهره‌مند و آنان را به سمت خیر و سعادت هدایت کند، از چنگال دشمنان برهاند، از نعمت‌های پروردگار بهره‌مند سازد و خشنودی خداوند را برای آنها فراهم آورد. روز قیامت به فقیه گفته می‌شود ای کسی که از ایتم آل محمد^(ص) سرپرستی و دوستان ضعیف آنها را راهنمایی کردی، اینک از کسانی که از تو علم آموختند، شفاعت کن. پس آن فقیه توقف می‌کند و مردم را دسته دسته با خود به بهشت می‌برد، اینان کسانی هستند که از وی یا شاگردان او علم آموخته‌اند و تا روز قیامت هر کسی از گفته‌های این عالم استفاده کند مشمول شفاعت وی خواهد بود (همان: ۵).

علم میراث نیکی است.

از جمله امتیازهای علم آن بوده که میراث خوبی است، چنان‌که امام رضا^(ع) فرمودند: «دانش میراثی نیک است» (همان، ج ۱: ۱۶۹).

علت اطلاق میراث بر علم آن است که هر عالمی علمش را از استادش می‌گیرد، پس مثل آن است که علم خویش را از استادش به ارث برده است، همان‌گونه که فرزند، مال را از پدرش به ارث می‌برد. از سویی در روایت‌ها از استاد به‌عنوان «پدر» تعبیر شده است. مثلاً پیامبر^(ص) فرمودند: «پدران سه گونه‌اند: پدری که تو را به دنیا آورده، پدری که ازدواج تو را موجب شده و پدری که تو را تعلیم داده است» (مشکینی، ۱۴۲۴ق: ۲۴۷).

علم موجب پیروی مردم از اهل بیت^(ع) و زنده شدن امر ایشان می‌شود.

امام رضا^(ع) به نقش علم در پیروی از اهل بیت^(ع) اشاره و پیروی از اهل بیت^(ع) را در گرو فراگیری علوم ایشان و آموزش آن به دیگران عنوان و فرمودند: «خدا بیامرزد کسی که امر ما را زنده کند.» راوی پرسید امر شما چگونه زنده می‌شود؟ فرمودند: «به آموختن علوم ما و تعلیم دادن آن به مردمان، زیرا اگر مردم از آن تعالیم والا که در سخنان ماست آگاهی یابند، پیرو ما خواهند شد» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۰).

توقف ویژگی‌ها و امتیازهای علم بر رعایت آداب لازم

امتیازهایی که پیش از این با استناد به سخنان امام رضا^(ع) مورد اشاره قرار گرفتند، شروطی دارند که تحت عنوان «آداب دانش‌آموزی» از آنها یاد می‌شود، پیش از بیان شروط و آداب دانش‌اندوزی، بیان مفهوم ادب ضروری است:

مفهوم ادب

علمای لغت به صور گوناگون تعریف ادب را بیان کرده‌اند، برخی گفته‌اند: «فلانی را ادب یاد داد، یعنی به خوبی‌های اخلاقی و عادت‌ها وی را ریاضت داد و به کارهای پسندیده فراخواند» (مصطفی، ۱۳۸۲: ۹).

فیومی گفته است: «ادب بر هر نوع ریاضت و ورزش پسندیده‌ای که موجب انجام فضیلتی از فضائل توسط انسان شود اطلاق می‌شود» (بی‌تا، ج ۲: ۹).

طریحی نیز مشابه این تعریف را بیان کرده است (۱۴۱۶ق، ج ۱: ۲۹).
 از همه تعاریف برمی آید که ادب، با مشقت و سختی همراه است، چنان که امام رضا^(ع) فرمودند: «عقل و خرد، عطیه و موهبتی الهی است ولی ادب، با کوشش و تلاش حاصل آید، هر کس رنج تحصیل ادب را تحمل کند آنرا به دست آورد، اما آنکه برای به دست آوردن عقل رنج برد جز نادانی نیفزاید» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۵۳).
 امام رضا^(ع) ادب را جامه زیبا تعبیر نموده و فرموده اند: «آداب، جامه های زیبا هستند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۱۸۴).

آداب و شروط لازم دانش اندوزی

امام رضا^(ع) آداب و شروط چندی را برای تحقق ویژگی ها و امتیازهای علم ضروری دانستند، از جمله:

۱. نیت و انگیزه الهی داشتن

نیت در ارزشمندی کارها، از جمله طلب علم نقش مهمی دارد، به همین دلیل امام رضا^(ع) به صور گوناگون آنرا توصیه و فرمودند: «نیت مؤمن از عملش بهتر است».
 از ایشان درباره چگونگی بهتر بودن نیت مؤمن از عملش پرسیدند، در پاسخ فرمودند: «ریا در عمل وارد می شود اما در نیت وارد نمی شود» (۱۴۰۶ق. ب: ۳۷۸) و نیز فرمودند: «هیچ سخنی بدون عمل و هیچ عملی بدون نیت مؤثر نیست» (همان).
 امام رضا^(ع) آموزش نیت نیک را حتی به کودکان توصیه کردند و چگونگی نیت را توضیح دادند. مثلاً به مردی که دو فرزندش را از دست داده و یک فرزندش باقی مانده بود فرمودند: «کودک را امر کن تا با دست خود صدقه بدهد، اگرچه کم باشد، هر چیزی که برای رضای خداوند داده شود گرچه کم هم باشد در نزد خداوند، بزرگ است» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷: ۲۱۳).
 تعبیر «رضای خدا» در سخن ایشان مفهوم نیت را بیان و انجام کارها برای رضای خدا را توصیه می کند.

ایشان نیت نیکو را در افزایش رزق و روزی مؤثر دانستند و فرمودند: «هر که نیتش نیکو باشد، خداوند رزق و روزی وی را زیاد کند» (امام رضا^(ع)، ۱۴۰۶ق. ب: ۳۷۸).

از دیدگاه آن حضرت، ارزشمندی نیت به صدقه و انفاق مالی محدود نمی‌شود، بلکه نیت خوب در اخلاق، طلب علم و... نیز مطلوب است، چنان‌که فرمودند: «خوش خلقی به سرشت و نیت فرد بستگی داشته و نیت بالاتر است» (همان). همچنین در نکوهش کسانی که با انگیزه‌هایی مانند مرء، فخرفروشی، فریب مردم و... علم را فرامی‌گیرند فرمودند: «هر که علم جوید تا با سفیهان مجادله کند یا بر علما فخر بفروشد یا توجه مردم را به سوی خود جلب کند، جایگاهش آتش دوزخ خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۰).

مرء به معنای محاجه و جدال از روی مباحثات و فخرفروشی بر سفیهان (جاهلان) است، در نام‌گذاری مرء دو احتمال وجود دارد: ۱. ممکن است کلمه مزبور از «مریه» به معنای شک گرفته شده باشد، زیرا هر یک از دو طرف مجادله‌کننده در سخن طرف مقابل خود شک یا آنکه در دلایل طرف مقابل خود ایجاد شک می‌کند؛ ۲. ممکن است کلمه مرء از «مری» به معنای کشیدن بر پستان حیوان برای دوشیدن وی باشد، زیرا هر یک از جدال‌کنندگان، نقطه نظر طرف مقابل خود را از وی بیرون می‌کشد. سفهاء به معنای جاهلان است، زیرا چنین افرادی در مقایسه با عاقلان عقل کمتری دارند (شوکانی، بی تا، ج ۶: ۳۲۶). امام رضا^(ع) در جای دیگر ضمن نکوهش مرء و جدال با علما و سفیهان، زبان آن را بیان و فرمودند: «با علما، مرء و جدال نکنید که شما را ترک خواهند کرد و با سفیهان نیز ستیز نکنید که شما را جاهل خواهند پنداشت» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۳۷).

از دیدگاه ایشان، سفهاء، قصه‌گویان مخالف اهل بیت^(ع) بوده و منظور از علما، علمای آل محمد^(ص) است (همان: ۳۰).

با توجه به اهمیت نیت در طلب علم و آموزش آن، امام رضا^(ع) گرفتن دستمزد برای آموزش قرآن را در فرضی که معلم آن را شرط کند نکوهش و فرمودند: «اجرت معلم حرام است، هر گاه گرفتن اجرت را برای آموزش قرآن شرط کند. همچنین معلمی که تنها قرآن را آموزش می‌دهد،

دستمزد گرفتن وی حرام است، خواه گرفتن دستمزد را شرط کند یا نکند» (۱۴۰۶ق. ب: ۲۵۳). از ابن عباس نیز در تفسیر آیه «أَكَلُونَ لِمَن سُحَّتْ» (مائده/۴۲) نقل شده که منظور، اجرت معلمانی است که در آموزش قرآن شرط دستمزد می‌کنند» (همان).

فقهها، گرفتن دستمزد برای آموزش قرآن و همه احکام را مکروه دانستند و اشاره نمودند بهتر است کسب درآمد از طریق آموزش مزبور ترک شود (مفید بغدادی، ۱۴۱۳ق: ۵۸۸).

از سویی، فضل بن ابی قره گفته است: «به امام صادق^(ع) عرض کردم: اینها می‌گویند کسب معلم سحت است، حضرت فرمودند: دشمنان خدا دروغ گفتند، هدف ایشان آن است که به فرزندان قرآن را آموزش ندهند، اگر فردی دیه فرزندان را به معلم دهد، گرفتن آن بر معلم مباح است» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹: ۶۶۷).

نظر به کراهت دستمزد آموزش قرآن که مشهور از آن جانب‌داری کرده‌اند، باید روایت‌های نهی‌کننده از اخذ دستمزد برای آموزش قرآن از جمله روایت امام رضا^(ع) در نکوهش دستمزد آموزش قرآن بر اشتراط اخذ دستمزد یا گرفتن دستمزد برای آموزش حمد و سوره حمل شوند. امام رضا^(ع) موارد ذیل را نشانه داشتن انگیزه الهی دانش‌اندوزی دانسته‌اند:

خشیت و ترس از خداوند

با توجه به این نشانه، هر چه علم انسان بیشتر باشد، ترس وی از خداوند بیشتر است، چنان‌که خداوند فرمود: «از بین بندگان خداوند فقط عالمان از خدا می‌ترسند» (فاطر/۲۸)؛ آیه مزبور نشانگر برتری عالم بر عابد است.

پیامبر^(ص) نیز فرمودند: «در علم آدمی همین بس که از خدا بترسد» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ۱۴۲). همچنین امام رضا^(ع) درباره لزوم خشیت فرمودند: «از علم تو همین بس که از خدا بترسی» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۸).

از سویی، خشیت، میراث علم دانسته شده است (بلخی صوفی، ۱۴۰۰ق: ۲۶۵).

خدمت کردن به مردم

از جمله نشانه‌های داشتن انگیزه الهی در طلب علم آن است که هر چه علم فرد بیشتر

شود، خدمت وی به مردم نیز افزایش می‌یابد، چنان‌که امام رضا^(ع) فرمودند: «آگاه باشید فقیه (عالم) کسی است که جامعه را از علوم خود بهره‌مند و ایشان را به سوی خیر و سعادت راهنمایی می‌کند، از چنگال دشمنان می‌رهاند، از نعمت‌های پروردگار بهره‌مند و خشنودی خداوند را برای آنها فراهم می‌سازد» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۵).

در تأیید این نشانه انگیزه الهی، حضرت مسیح^(ع) فرمودند: «شایسته‌ترین مردمان برای خدمت، شخص عالم است» (همان: ۶۲).

همراهی علم با فضائل اخلاقی

علم باید با عمل و فضائل اخلاقی همراه باشد، از همین روی امام علی^(ع) فرمودند: «سفاهت و غفلت در قلب عالم وجود ندارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۳۰).

امام رضا^(ع) نیز عجب و خودپسندی فرد را - گرچه آن فرد در ظاهر عالم باشد - نشانه جهالت دانستند و فرمودند: «برای جهالت تو همین بس که به خاطر علمت دچار خودپسندی شوی» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۵).

همچنین درباره بردباری و سکوت صاحب علم فرمودند: «از جمله نشانه‌های فقه، حلم و بردباری، سکوت و دم فرو بستن است. سکوت، یکی از درهای حکمت و ایجادکننده محبت بوده و به همه نیکی‌ها رهنماست (همان: ۴۸).

بدیهی است که غضب و حرف‌های بی‌هوده، با علم همخوانی و سازگاری ندارد. منظور از سکوت که در سخن امام رضا^(ع) به آن توصیه شده است، سکوت مطلق نیست، زیرا سکوت مطلق، صمت نامیده نمی‌شود، منظور از صمت، سکوت معنی‌دار، کنترل‌شده و بجاست، از این رو در برخی موارد، وقتی حقیقتی یا حکمی باید بیان شود یا امر به معروف و نهی از منکر ضرورت دارد، سکوت، مذموم دانسته شده است. مثلاً علی^(ع) فرمودند: «خیری در سکوت از بیان حکم و نیز خیری در سخن گفتن از روی جهل نیست» (همان: ۸۱).

همچنین در پاره‌ای از روایت‌ها، سخن گفتن وسیله‌ای برای ورود به بهشت و رهایی

از دوزخ دانسته شده است. مثلاً امام سجاده^(ع) فرمودند: «سخن نیکو گفتن موجب افزایش مال و روزی، تأخیر مرگ، محبت بین خانواده و موجب ورود شخص به بهشت می شود» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶۸: ۳۱۰).

۲. عمقی بودن تعلیم و تعلم

از جمله آداب اخلاقی آموختن از دیدگاه امام رضا^(ع) آن است که متعلم به درک عمقی آنچه فرامی گیرد اقدام و از یادگیری حفظی بدون درک مطلب خودداری کند، چنان که فرمودند: «از دانایان باشید نه از راویان، اگر حدیثی را از روی فقه، بصیرت و دانایی درک کنید و معنایش را دریابید بهتر است از اینکه هزار حدیث را بدون درک معانی روایت کنید» (بغدادی، ۱۴۰۸ق: ۳۱). امام علی^(ع) نیز اکتفا به صرف نقل و عمل نکردن را شیوه جاهلان دانستند و فرمودند: «فقط آنچه را که می خواهید عمل کنید یاد بگیرید، زیرا خداوند از علم، جز از طریق عمل کردن به آن، به شما سودی نمی رساند. همواره دانشمندان راستین در فکر عمل کردن به علم هستند و دانشمندانمایان سفیه در فکر یاد گرفتن و نقل علم» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۷).

۳. لزوم یادگیری علم از معلمان شایسته

نظر به تأثیر معلم بر متعلم و اینکه علم نوعی غذای روحی است، یادگیری علم از معلمان شایسته ضروری است، چنان که در ذیل آیه «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (یس/۲۴) از امام باقر^(ع) پرسیده شده «طعامه» چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «علم وی است که آن را از فردی می گیرد» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۲۳).

امام رضا^(ع) درباره لزوم یادگیری علم از افراد شایسته فرمودند: «علم را از افرادی که شایستگی آن را دارند طلب کنید» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۷۱).

از دیدگاه ایشان، معلم علاوه بر آنکه باید بردبار باشد، سکوت اختیار کند و حرف های بیهوده نزند، باید از عجب و خودپسندی به خاطر علمش (همان، ج ۲: ۴۸) و نیز از مرأ و جدال بپرهیزد

(همان: ۳۰) و آموزش وی به خاطر انگیزه‌های الهی باشد (امام رضا^(ع)، ۱۴۰۶ق. ب: ۲۵۳).
 در روایتی، به سه ویژگی لازم معلم اشاره شده است: «نشینید مگر نزد عالمی که شما را از سه چیز به سه چیز دعوت کند: از کبر به تواضع، از چاپلوسی به خیرخواهی و از جهل به علم» (ورام، بی‌تا، ج ۲: ۲۳۳).

۴. لزوم پرسیدن

از جمله آداب لازم طلب علم، پرسیدن است که در آموزش و طلب علم، اهمیت زیادی دارد، از همین روی در متون اسلامی مانند *قرآن* و سخنان معصومان^(ع)، از جمله امام رضا^(ع) به آن سفارش شده است. مثلاً خداوند فرمود: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/۴۳).

گرچه در سخن امام رضا^(ع) «أَهْلَ الذِّكْرِ» به معنای اهل بیت^(ع) بیان شده است (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۳: ۱۷۳) اما پیامبر^(ص) ضمن توصیه به جاهل برای پرسش و رفع جهل خود، به آیه مزبور استناد کردند (سیوطی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۱۱۹).

استناد ایشان به آیه مزبور عدم حصر آن را به اهل بیت^(ع) نشان می‌دهد، از سویی، فقهای شیعه معنای آیه را عام دانسته و با استناد به آن، لزوم تقلید افراد عام از مجتهدین را نتیجه گرفته‌اند (طباطبایی حائری، ۱۲۹۶ق: ۲۵۳).

امام رضا^(ع) پرسش را وسیله‌ای برای دستیابی متعلم به علم معلم دانستند و اشاره نمودند: سؤال‌کننده، پاسخ‌دهنده، شنونده و دوستداران ایشان به خاطر پرسش از ثواب برخوردار می‌شوند، آنجا که فرمودند: «دانش، گنجینه‌هایی است که کلید آن پرسش است. بنابراین سؤال کنید تا خدا شما را مورد رحمت قرار دهد، زیرا در رابطه با دانش به چهار کس پاداش می‌دهند: به سؤال‌کننده، آموزگار، شنونده و دوستدار آنان» (صدوق قمی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۸).

پرسش در مورد مسائل دینی، از دو جهت اهمیت دارد: یکی به لحاظ پرسش‌کننده و دیگری به لحاظ پاسخ‌دهنده، اهمیت پرسش پرسش‌کننده از آن روی است که جهل، عذر قابل قبولی نبوده و پرسش‌کننده باید به وسیله پرسش، جهل خود را از بین ببرد، در صورت عدم پرسش ممکن است

در انجام وظیفه شرعی خطا کرده و مسئولیت انجام عمل اشتباه و تکرار آن بر عهده‌اش باشد، لذا از وی خواسته شده که حیا و شرم را کنار نهاده و وظیفه خود را بپرسد. گرچه امام رضا^(ع) حیا به معنای شرم از خداوند و خجالت از انجام گناه در محضر خداوند را تشویق کردند و این نوع حیا را از نشانه‌های ایمان (ج: ۱: ۲۶۵) و غیبت فردی را که چنین حیایی ندارد مجاز دانستند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج: ۷۲: ۲۶۰) اما با گشاده‌رویی پرسش‌های دیگران را پاسخ می‌دادند و در نکوهش حیا برای پرسش فرمودند: «کسی که چیزی را نمی‌داند، از پرسش برای دانستن آن حیا نکند» (۱۴۰۶ق. الف: ۸۱). در روایت‌ها حیا برای پرسش «حیای حمق» نامیده شده است، مثلاً پیامبر^(ص) فرمودند: «حیا دو قسم است: یکی حیای عقلانی و دیگری حیای احمقانه. حیای عقلانی ناشی از علم و دانش است و حیای احمقانه عبارت از جهل و نادانی است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۲: ۴۵) و نیز فرمودند: «سزاوار نیست که جاهل به خاطر جهلش سکوت کند و پرسش نکند» (ری شهری، ۱۳۷۵، ج: ۳: ۳۵۲۶).

اهمیت پرسش به لحاظ پاسخ‌دهنده از آن روست که امام رضا^(ع) نسبت به پاسخ‌دهندگان، به‌ویژه در پرسش از مسائل دین هشدار دادند و از پاسخ دادن بدون علم نهی و فرمودند: «هر گاه از کسی در مورد چیزی پرسش شود که درباره آن علم ندارد، از گفتن «نمی‌دانم» نباید شرم داشته باشد» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج: ۶۶: ۳۷۶).

پاسخ نادرست به پرسش، عواقب بدی دارد و مسئولیت عمل اشتباهی که پرسش‌کننده انجام می‌دهد به عهده پاسخ‌دهنده است، چنان‌که امام رضا^(ع) فرمودند: «هر که بدون علم فتوا دهد، ملائکه آسمان و زمین، وی را لعنت خواهند کرد» (صدوق قمی، ۱۳۷۸، ج: ۲: ۴۶).

۵. لزوم خودشناسی

از دیدگاه امام رضا^(ع) از جمله آداب دانش‌اندوزی آن است که متعلم، به علمی که فرا می‌گیرد اکتفا نکند و خودشناسی را نیز مدنظر قرار دهد، زیرا خودشناسی از یک‌سو، موجب می‌شود متعلم علم را با انگیزه درست فرا بگیرد و از طرفی آن را در جهت درست به کار ببندد، از سویی،

علمی که با خودشناسی همراه نباشد، بسیار مخرب است، از همین روی در روایت‌ها، عالمان بدون عمل نکوهش شده‌اند، چنان‌که حضرت علی^(ع) فرمودند: «لغزش عالم فاسد، جهانی را فاسد می‌کند» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷).

خودشناسی به دلیل اهمیت و نقش شگرفی که در تعلیم و تعلم دارد، در متون اسلامی به‌طور مکرر مورد توصیه و تشویق قرار گرفته است، چنان‌که امام رضا^(ع) فرمودند: «بهترین عقل آن است که انسان خودش را بشناسد» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۵: ۳۵۲).

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت نتایج ذیل به دست می‌آید:

امام رضا^(ع) ضمن تشویق‌های گفتاری و عملی علم، آدابی را در مورد علم لازم دانستند، آداب مزبور برای استفاده بهینه از علم و بهره گرفتن از آن در جهت صحیح است. از جمله دلایل توصیه ایشان به رعایت آداب اخلاقی آموختن، تأثیرگذاری روی معلم و متعلم است. امتیازهای زیادی که آن حضرت برای علم برشمردند، برخی مربوط به معارف دینی و برخی از آنها هر نوع علمی را شامل می‌شوند.

گرچه توصیه آن امام همام^(ع) بر کسب علم از هر جایی که احتمال وجودش است، دریافت علم از غیرمسلمان را مجاز می‌شمارد و به تعبیر برخی روایت‌ها، علم در نزد مشرک عاریه بوده و مسلمان، مالک و صاحب حقیقی آن بوده، بهتر است در صورت امکان در علمی غیر از معارف دینی نیز آداب لازم رعایت شود و دریافت علم غیردینی از مسلمان در اولویت قرار گیرد.

گرچه دریافت علمی غیر از معارف دینی از غیرمسلمانان مجاز بوده و در روایت‌ها به آن توصیه شده و همین امر از جمله دلایل پیشرفت تمدن اسلامی به حساب آمده است، اما در خصوص علوم مربوط به دین و شریعت، به ویژه قرآن سخت‌گیری خاصی وجود دارد، به گونه‌ای که دریافت چنین علمی از افرادی مجاز دانسته شده است که ویژگی‌های خاصی را دارا باشند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، (۱۳۷۴). مترجم عبدالمحمد آیتی، چاپ چهارم، تهران: سروش.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۲). *تحف العقول*. چاپ دوم، قم: النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم.
- ابن فهد حلی، (۱۴۰۷ق). *عدة الداعی و نجاح الساعی*. چاپ اول، قم: دار الكتاب الاسلامی.
- امام خمینی، روح الله، (۱۴۲۳ق). *ولایت فقیه*. چاپ دوازدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- امام خمینی، روح الله، (بی تا). *کتاب البیع*. چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- امام رضا^(ع)، (۱۴۰۶ق. الف). *صحیفة الرضا*. مشهد: کنگره امام رضا^(ع).
- امام رضا^(ع)، (۱۴۰۶ق. ب). *فقه الرضا*. چاپ اول، مشهد: آل البيت^(ع).
- بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۰۸ق). *نصیحة أهل الحديث*. چاپ اول، بی جا: مکتبه المنار- الزرقاء.
- بلخی صوفی، شقیق، (۱۴۰۰ق). *مصباح الشریعه*. منسوب به امام صادق^(ع)، چاپ اول، بیروت: الاعلمی.
- تیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. چاپ اول، قم: آل البيت^(ع).
- حسینی شیرازی، محمد، (بی تا). *ایصال الطالب الی المكاسب*. چاپ اول، تهران: منشورات اعلمی.
- خوانساری، جمال، (۱۳۶۶). *شرح غرر الحکم*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خویی، حبیب الله، (۱۴۰۰ق). *منهاج البراعة*. چاپ چهارم، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. چاپ اول، دمشق- بیروت: دار العلم الدار الشامیه.
- رسولی محلاتی، سید هاشم، (۱۳۹۶). *صحیفه علوی*. چاپ سوم، تهران: علوی.
- رضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*. مترجم محمد دشتی، چاپ اول، قم: مشهور.
- ری شهری، محمد، (۱۳۷۵). *میزان الحکمه*. چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- زمخشری، ابوالقاسم، (۱۴۱۲ق). *ربیع الابرار و نصوص الاخیار*. بیروت: الاعلمی.
- زین الدین، شیخ محمد، (۱۴۱۳ق). *کلمة التقوی*. چاپ سوم، بی جا: بی تا.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۳۶۵). *الدر المنثور*. چاپ اول، جده: دار المعرفه.
- شوکانی، محمد بن علی، (بی تا). *فتح القدير*. بی جا: عالم الكتب.
- صدوق قمی، محمد بن علی، (۱۳۶۲). *المخصل*. چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صدوق قمی، محمد بن علی، (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا*. چاپ اول، تهران: جهان.

- صدوق قمی، محمدبن علی، (۱۴۰۰ق). *الامالی*. چاپ پنجم، بیروت: الاعلمی.
- طباطبایی حائری، محمدمجاهد، (۱۲۹۶). *القواعد و الفوائد*. چاپ اول، قم: آل البيت^ع.
- طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرين*. چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی شیخ، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق). *الامالی*. چاپ اول، قم: دارالثقافة.
- عراقی کزازی، آقا ضیاءالدین، (۱۴۱۴ق). *شرح تبصرة المتعلمين*. چاپ اول، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فتال نیشابوری، ابوعلی، (بی تا). *روضه الواعظین و بصیرة المتعلمین*. قم: رضی.
- فیومی مقرئ، احمدبن محمد، (بی تا). *المصباح المنیر*. چاپ اول، قم: منشورات دارالرضی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۲۹ق). *الکافی*. چاپ اول، قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
- مازندرانی، ملا محمد صالح، (۱۳۸۲). *شرح اصول الکافی*. چاپ اول، تهران: المكتبة الاسلامية.
- متقی هندی، علاءالدین علی، (۱۴۰۹ق). *کنز العمال*. بیروت: الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامية.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۱۰ق). *بحار الانوار*. چاپ اول، بیروت: الطبع و النشر.
- محمود، عبدالرحمان، (بی تا). *معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهية*. بی جا: بی نا.
- مشکینی، علی، (۱۴۲۴ق). *تحریر المواعظ العادیه*. چاپ هشتم، قم: الهادی.
- مصطفی، ابراهیم و دیگران، (۱۳۸۲). *المعجم الوسيط*. تهران: بی نا.
- مفیدبغدادی، محمدبن محمد، (۱۴۱۳ق). *المقنعه*. چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- ورام بن ابی فراس، (بی تا). *مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)*. چاپ اول، قم: مکتبه فقهیه.